



جوهره سیاست

جولین فرند

ترجمه

دکتر نورعلی نوری

به کوشش

مصطفی دانش پژوه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۴۰۰

فروند، ژولین، ۱۹۲۱-م.
جوهره سیاست/جولیس فرند: اقتباس و ترجمه نورعلی نوری؛ به کوشش مصطفی دانش‌پژوه؛ ویراستار علمی اسماعیل نعمت‌اللهی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.
۵۳۰ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۹۵: حقوق و فقه اجتماعی؛ ۶۳)
ISBN: 978-600-298-379-4
بها: ۹۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: L'essence du politique, 1986.
نمایه.
۱. علوم سیاسی. ۲. Political science. الف. نوری، نورعلی، ۱۳۰۴-۱۳۷۹.، مترجم، اقتباس‌کننده. ب. دانش‌پژوه، مصطفی، ۱۳۳۵-، گردآورنده. ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. د. عنوان.
JA۶۷
۳۲۰
شماره کتابشناسی ملی
۸۵۶۸۱۵۰



جوهره سیاست

مؤلف: جولین فرند

مترجم: دکتر نورعلی نوری

به کوشش: مصطفی دانش‌پژوه (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار علمی: دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

تعداد: نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص.ب. ۳۲۸۰۳۰۹۰، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۸۵۰۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

info@rihu.ac.ir

www.rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز بخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر ترجمه کتابی با همین عنوان از «جولین فرند» است که به وسیله مرحوم استاد دکتر نورعلی نوری برای گروه‌های حقوق و علوم سیاسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه است که به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی، مدیر وقت گروه حقوق، نگهداری و برای چاپ و انتشار در اختیار پژوهشگاه قرار گرفته و سپس به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی دانش‌پژوه، عضو هیئت علمی گروه حقوق پژوهشگاه، تنظیم و در نهایت با ویرایش حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی، آماده چاپ و انتشار شده است.

این کتاب می‌تواند به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی، علوم اجتماعی و حقوق به شمار آید که سایر علاقه‌مندان به این نوع مطالعات نیز می‌توانند از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مرحوم دکتر نورعلی نوری که زحمت اقتباس و ترجمه را پذیرفتند و نیز حجت‌الاسلام ابراهیمی که دست‌نوشته‌های مرحوم نوری را حفظ و نگهداری نموده و زحمت مقابله اولیه را عهده‌دار شدند و همچنین حجت‌الاسلام مصطفی دانش‌پژوه که در سامان رساندن و تنظیم کتاب، سعی وافری نمودند و حجت‌الاسلام دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی که زحمت ویرایش دقیق و امانت‌دارانه را تقبل کردند، تشکر و قدردانی کند و برای مرحوم نوری، رحمت و مغفرت و برای دیگر عزیزان، دوام توفیقات را از خداوند متعال مسئلت نماید.

فهرست مطالب

مقدمه استاد حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی	۱
سخن ویراستار	۵
پیشگفتار	۷
کتاب حاضر	۱۱

فصل اول: سیاست و جامعه

فصل دوم: منشأ سیاست

قسمت دوم: پیش فرض های سیاست	۷۸
مقدمه: مفهوم پیش فرض	۷۸

فصل سوم: نخستین پیش فرض (فرماندهی و فرمانبرداری یا حکومت و اطاعت)

بخش اول: تحکم	۹۵
بخش دوم: اطاعت (فرمانبرداری)	۱۲۴

فصل چهارم: دیالکتیک بین آمر و مأمور: نظام و حکم

فصل پنجم: پیش فرض دوم سیاست: «خصوصی و عمومی»

بخش اول: خصوصی	۲۳۳
بخش دوم- عمومی	۲۴۱

فصل ششم: دیالکتیک خصوصی – عمومی: افکار عمومی

فصل هفتم: سومین پیش فرض سیاست: حُبّ و بُغض

۳۴۹.....	بخش اول: تبیین مفهومی.....
۳۵۲.....	بخش اول: مودت.....
۳۷۰.....	بخش دوم: خصومت و تفرقه.....

فصل هشتم: دیالکتیک بین حُبّ و بُغض (دوست و دشمنی)

۵۰۷.....	قسمت سوم: جهت‌گیری سیاست.....
----------	-------------------------------

نمایه‌ها

۵۱۱.....	نمایه اشخاص.....
۵۱۵.....	نمایه اصطلاحات.....

فهرست تفصیلی

مقدمه استاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی.....	۱
سخن ویراستار.....	۵
پیشگفتار.....	۷
۱. ماهیت سیاست.....	۱۳
۲. روش شناخت سیاست (ماهیت سیاست).....	۱۸
۳. انتخاب روش تبیینی.....	۲۰
۴. دوجنبه‌ای بودن سیاست و اشکالات ناشی از آن.....	۲۱
۵. خطر عظیم ارزش‌گرایی.....	۲۳
۶. مقام سیاست.....	۲۵

فصل اول: سیاست و جامعه

۷. جامعه امری طبیعی است.....	۳۱
۸. اجتماعی بودن طبیعی است.....	۳۳
۹. فرد و جامعه در رابطه با همدیگر.....	۳۷
۱۰. جامعه و سیاست.....	۳۹
۱۱. جامعه سیاسی.....	۴۴
۱۲. سیاست اسانس است.....	۵۰

فصل دوم: منشأ سیاست

۱۳. اصالت سیاست.....	۵۳
۱۴. منشأ اولیه سیاست.....	۵۵
۱۵. منشأ قراردادی سیاست.....	۵۹

۶۶.....	۱۶. سیاست یعنی هبوط انسان.....
۷۱.....	۱۷. انتقاد نظریه هبوط مارکس.....
۷۵.....	۱۸. مسئله منشأ از نظر فلسفی.....
۷۸.....	قسمت دوم: پیش فرض های سیاست.....
۷۸.....	مقدمه: مفهوم پیش فرض.....
۷۸.....	۱۹. تعریف پیش فرض.....
۸۱.....	۲۰. فنومنولوژی.....
۸۳.....	۲۱. پیش فرض های سه گانه سیاست.....

فصل سوم: نخستین پیش فرض (فرماندهی و فرمانبرداری یا حکومت و اطاعت)

۸۹.....	۲۲. حکومت و اطاعت دو طرف یک سکه هستند.....
۹۵.....	بخش اول: تحکم.....
۹۵.....	۲۳. تعریف.....
۹۷.....	۲۴. رهبری تحمیل اراده فردی است.....
۱۰۱.....	۲۵. حاکمیت.....
۱۰۵.....	۲۶. حاکمیت و حقوق.....
۱۰۷.....	۲۷. حاکمیت و تصمیم گیری.....
۱۱۰.....	۲۸. مونوکراسی.....
۱۱۱.....	۲۹. حکومت قدرت است.....
۱۱۴.....	۳۰. تعریف قدرت سیاسی.....
۱۱۵.....	۳۱. توسل به زور و تزکیه.....
۱۱۸.....	۳۲. سقراط و کالی کلس.....
۱۲۳.....	۳۳. هدف گرایی سیاست.....
۱۲۴.....	بخش دوم: اطاعت (فرمانبرداری).....
۱۲۴.....	۳۴. تعریف فرمانبرداری.....
۱۲۶.....	۳۵. اطاعت سیاسی.....
۱۳۰.....	۳۶. پس از خاتمه جنگ های مذهبی.....
۱۳۴.....	۳۷. اهمیت اطاعت از نظر وجهه بین المللی.....
۱۳۵.....	۳۸. حدود اطاعت.....
۱۳۸.....	۳۹. عصیان سیاسی.....
۱۴۴.....	۴۰. حق مقاومت و قیام.....
۱۴۸.....	۴۱. قیام حق نیست، بلکه اراده است.....
۱۵۴.....	۴۲. آزادی انتقاد.....
۱۵۷.....	۴۳. امت علیه قدرت.....
۱۵۷.....	۴۴. معنویات و مادیات.....

۱۶۱.....	۴۵. انتقاد و سرپیچی
۱۶۲.....	۴۶. انتقاد نظریه لاسکی

فصل چهارم: دیالکتیک بین آمر و مأمور: نظام و حکم

۱۶۷.....	۴۷. دوگانگی
۱۶۹.....	۴۸. نظم، شکل و نورم (نُرم)
۱۷۳.....	۴۹. قانون
۱۷۴.....	۵۰. قانون بدون اطاعت
۱۷۵.....	۵۱. قانون به دولت فرماندهی
۱۷۷.....	۵۲. انتقاد این دو نظریه
۱۷۸.....	۵۳. تعریف قانون
۱۷۹.....	۵۴. نتایج این تعریف
۱۸۳.....	۵۵. عمومی بودن قانون
۱۸۴.....	۵۶. قدرت
۱۸۸.....	۵۷. قدرت و شرمساری
۱۹۱.....	۵۸. حکومت
۱۹۲.....	۵۹. قدرت و حکومت
۱۹۳.....	۶۰. مقبولیت در مقابل قانونی بودن
۱۹۷.....	۶۱. منطق و نظم عمومی
۲۰۰.....	۶۲. سیاست نمی تواند طرفدار برابری باشد
۲۰۲.....	۶۳. نظم و عدالت

فصل پنجم: پیش فرض دوم سیاست: «خصوصی و عمومی»

۲۱۱.....	۶۴. قلمرو سیاست از رابطه بین خصوصی و عمومی نتیجه می شود
۲۱۳.....	۶۵. تفکیک خصوصی از عمومی کار اقتصاد نیست
۲۱۷.....	۶۶. تفکیک خاص و عام امری حقوقی نیست
۲۲۱.....	۶۷. تفکیک فردگرایی از جمع گرایی پیش فرض سیاست است
۲۲۴.....	۶۸. ارتباط بین خصوصی و عمومی
۲۲۸.....	۶۹. توتالیتراریسم
۲۳۲.....	۷۰. درگیری بین خصوصی و عمومی امری سیاسی است
۲۳۳.....	بخش اول: خصوصی
۲۳۳.....	۷۱. خصوصی با «جماعتی» مترادف نیست
۲۳۵.....	۷۲. خصوصی مترادف با فردی نیست
۲۳۶.....	۷۳. حیطه و قلمرو خصوصی
۲۳۸.....	۷۴. آزادی

۲۴۱	بخش دوم - عمومی
۲۴۱	۷۵. مفهوم عمومی
۲۴۴	۷۶. معنای سیاسی عمومی وحدت طلبی است
۲۴۷	۷۷. عمومی رابطه‌ای است غیر شخصی
۲۵۱	۷۸. نمایندگی
۲۵۵	۷۹. حقوق به‌عنوان تنظیم‌کننده روابط
۲۵۹	۸۰. رژیم مبنای نظام حکومت
۲۶۰	۸۱. اولین معنای قانون اساسی
۲۶۶	۸۲. دومین معنای Constitution (حقوق اساسی)
۲۷۳	۸۳. سومین معنای Constitution (نظام یا قوام ایدئولوژیکی)
۲۷۷	۸۴. خلق (ماهیت جمعی افراد جامعه)
۲۸۱	۸۵. شهروندی

فصل هشتم: دیالکتیک خصوصی - عمومی: افکار عمومی

۲۸۵	۸۶. مفهوم افکار عمومی
۲۸۸	۸۷. سیاست و علم
۲۹۱	۸۸. قدرت و عقیده
۲۹۶	۸۹. حزب سیاسی
۳۰۳	۹۰. انتخابات
۳۰۴	۹۱. افکار عمومی
۳۱۰	۹۲. افکار عمومی و دموکراسی
۳۱۴	۹۳. تبلیغات
۳۲۲	۹۴. ایدئولوژی و مارکسیسم
۳۲۶	۹۵. انتقاد ایدئولوژی
۳۲۹	۹۶. مختصات ایدئولوژی
۳۴۵	۹۸. ایدئولوژی و قدرت

فصل نهم: سومین پیش فرض سیاست: حبّ و بغض

۳۴۹	بخش اول: تبیین مفهومی
۳۴۹	۹۹. خصومت خصوصی و خصومت عمومی
۳۴۹	۱۰۰. دیدگاه کارل اشمیت
۳۵۱	۱۰۱. اهمیت پیش فرض «دوست و دشمن»
۳۵۲	بخش اول: مودت
۳۵۲	۱۰۲. مودت به‌طور کلی
۳۵۳	۱۰۳. نخستین معنای مودت در سیاست به هم‌رأیی

۳۵۵.....	۱۰۴. برادری جهانی و دولت جهانی.....
۳۵۹.....	۱۰۵. دومین معنای دوستی سیاسی.....
۳۶۱.....	۱۰۶. تحلیل مفهوم «وداد».....
۳۶۵.....	۱۰۷. پیمان در صحنه روابط بین الملل.....
۳۶۶.....	۱۰۸. جامعه بین الملل؟!.....
۳۶۸.....	۱۰۹. سه راه حل بین الملل.....
۳۷۰.....	بخش دوم: خصومت و تفرقه.....
۳۷۲.....	۱۱۰. سیاست و خصومت.....
۳۷۸.....	۱۱۱. مفهوم دشمن سیاسی.....
۳۸۰.....	۱۱۲. انکار خصومت.....
۳۸۱.....	۱۱۳. اِفتِرا.....
۳۸۸.....	۱۱۴. چگونگی دشمنی سیاسی.....
۳۹۲.....	۱۱۵. توسل به قهر.....
۳۹۷.....	۱۱۶. توجیه شدت عمل.....
۴۰۴.....	۱۱۷. اِرعاب (تروریسم).....
۴۰۹.....	۱۱۸. ترس.....
۴۱۱.....	۱۱۹. ترس و سیاست.....

فصل هشتم: دیالکتیک بین حبّ و بغض (دوست و دشمنی)

۴۱۵.....	۱۲۰. عصر درگیری سیاسی.....
۴۱۶.....	۱۲۱. درگیری و مبارزه.....
۴۱۸.....	۱۲۲. تحلیل مفهوم درگیری.....
۴۱۹.....	۱۲۳. درگیری به عنوان دیالکتیک بین حیب و رقیب (دوست و دشمن).....
۴۲۴.....	۱۲۴. انگیزه کشمکش.....
۴۲۸.....	۱۲۵. پارادوکس پیکار.....
۴۳۰.....	۱۲۶. دولت به معنای وسیع و به معنای محدود کلمه.....
۴۳۳.....	۱۲۷. مفهوم جدید دولت.....
۴۴۰.....	۱۲۸. نتایج و عواقب این عقل گرایی.....
۴۴۵.....	۱۲۹. مفهوم انقلاب.....
۴۵۱.....	۱۳۰. معنای انقلاب.....
۴۵۶.....	۱۳۱. بی طرفی هم یک رنگ و مایه سیاسی دارد.....
۴۶۲.....	۱۳۲. اشکال مختلف بی طرفی.....
۴۶۶.....	۱۳۳. جنگ از نظر کلازویت.....
۴۷۲.....	۱۳۴. جنگ پدیده ای صد درصد انسانی است.....
۴۷۵.....	۱۳۵. انتقاد صلح محوری.....

۴۸۱.....	۱۳۶. جنگ امری اتفاقی نیست
۴۸۶.....	۱۳۷. جنگ از صلح ناشی می‌شود
۴۸۸.....	۱۳۸. مفهوم جنگ
۴۹۰.....	۱۳۹. جنگ بر حق و دشمن بر حق
۴۹۶.....	۱۴۰. مفهوم صلح
۴۹۷.....	۱۴۱. صلح یک نوع مبارزه است
۵۰۱.....	۱۴۲. برای صلح الگویی وجود ندارد.....
۵۰۴.....	۱۴۳. نُرم و فُرم صلح
۵۰۷.....	قسمت سوم: جهت‌گیری سیاست
۵۰۷.....	مقدمه: دست‌اندکاری سیاست (علل سیاسی)
۵۰۷.....	۱۴۴. تعارض بین اهداف
۵۰۹.....	۱۴۵. فُقرِ فلسفه‌ عملِ سیاسی

نمایه‌ها

۵۱۱.....	نمایه اشخاص
۵۱۵.....	نمایه اصطلاحات

مقدمه استاد حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی

انقلاب اسلامی ایران موهبتی الهی بود که به صورت غیرمنتظره و به دور از باور قدرت‌های حاکم بر شرق و غرب به رهبری امام خمینی علیه السلام، بزرگ پرچمدار اسلام ناب محمدی، در مرز و بوم ایران اسلامی تحقق یافت و فریاد عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی آن سراسر جهان را فراگرفت. این حرکت بنیادین برای وصول به اهداف عالی خویش همراه با شعار «لَا تُظْلَمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ»، قبل از هر چیز نیازمند تحولی فرهنگی بود که تمامی علوم، به‌ویژه علوم انسانی را که در نظام طاغوت به صورت اقتباسی از فرهنگ غربی و بیگانه از ارزش‌های اسلامی حاکم شده بود، دگرگون کند و اسلام ناب محمدی را در این سرزمین استوار سازد.

از این‌رو، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، فرمانی در جهت تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و به دنبال آن فرمانی در جهت وحدت حوزه و دانشگاه و همکاری دانشگاهیان و حوزویان برای تدوین کتاب‌های درسی و کمک‌درسی صادر فرمودند و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم این مسئولیت را به عهده دو تن از اعضای ممتاز، یعنی حضرت آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله سیدمحسن خرازی گذاشتند و با تلاش این دو بزرگوار و به‌ویژه استاد فرزانه علامه مصباح، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد و گروه‌های حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد، علوم تربیتی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلامی تشکیل و جمعی از نخبگان حوزه و دانشگاه با اشراف علمی استاد مصباح، کتاب‌هایی ارزشمند در رشته‌های علمی یادشده فراهم آوردند. در این میان، گروه حقوق و علوم سیاسی از اشراف علمی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نیز برخوردار بود و تألیفات و دستاوردهای این گروه با مقدمه معظم‌له در سازمان سمت به چاپ رسید. قابل توجه اینکه این حرکت آغازین در حوزه علمیه با

پیچیدگی مبانی علوم انسانی و به‌ویژه فلسفه حقوق و بینش متفاوت اندیشه اسلامی با آرای سکولار حاکم بر غرب مسیحی و شرق مارکسیستی و عدم تسلط محققان حوزوی به زبان لاتین و جز آن و عدم دسترسی به آرای اندیشمندان غرب و شرق، همراه بود که اقتضای آن را داشت که پاره‌ای از استادان آشنا به زبان‌های خارجی و محتوای اندیشه سیاسی و حقوقی غربی و شرقی، به ترجمه تألیفات بزرگ‌ترین صاحب‌نظران غرب و شرق بپردازند و محققان حوزه و دانشگاه را در جریان فلسفه حقوق و سیاست و تحولات تاریخی آن قرار دهند.

خوشبختانه در گروه حقوق و علوم سیاسی دو تن از برجسته‌ترین چهره‌های علمی دانشگاه تهران، یعنی آقایان پروفیسور نورعلی نوری و استاد محمدحسین تمدن جهرمی، دامن همت به کمر زدند و سنواتی طولانی گروه حقوق و علوم سیاسی را یاری دادند و متونی را به پیشنهاد گروه و احیاناً به انتخاب خود از منابع تألیفی چهره‌های برجسته حقوق و علوم سیاسی و دائرةالمعارف بریتانیکا، آمریکانا و... ترجمه و اوراق انبوهی را در اختیار گروه قرار دادند و یا در جمع محققان حوزه و دانشگاه تقریر نمودند و به انتقان نسبی تألیفات یادشده افزودند.

نگارنده این‌سطور که از آغاز تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در جمع محققان این گروه حضور داشته و از سال ۶۱ تا ۷۵ افتخار مدیریت گروه را نیز داشته، به حکم تعهد فردی و جمعی خود، همه دست‌نویس‌های این دو بزرگوار را تبویب و تجلید نموده و در فرصت‌های مختلف از آنها در تألیفات فوق‌الذکر و جز آن بهره‌مند بوده‌ام؛ ولی پس از مراجعه مکرر و حصول اطمینان از دقت نظر و حفظ امانت علمی این دو بزرگوار به این اندیشه برآمدم که ترجمه‌های یادشده را که از متون اصیل و کمیاب در ایران اسلامی فراهم آمده، حداقل با تنظیم و تبویب ویژه‌ای در اختیار محققان و دانش‌پژوهان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جز آن قرار گیرد تا جمع گسترده‌تری از محتوای این متون بهره‌مند شوند.

این ایده مورد قبول مسئولان پژوهشگاه قرار گرفت و مقرر شد تا دست‌نویس‌ها، تایپ و غلط‌گیری شود و با دسته‌بندی و فهرست موضوعی متناسب در اختیار پژوهشگران این پژوهشگاه و دیگر مراکز تحقیقی قرار گیرد؛ این کار بحمدالله با تلاش مدیران وقت گروه و به‌ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی دانش‌پژوه به صورت مطلوبی انجام پذیرفت و اینجانب نیز که آشنایی بیشتری با دست‌نویس‌های پروفیسور نوری و استاد تمدن داشتم، در رفع ابهامات متن تا حد ممکن همراهی نمودم.

سرانجام با پیشنهاد مجدد حقیر و تشخیص گروه تصمیم بر این شد که آنچه از ترجمه‌های استادان می‌تواند ترجمه کامل از متنی حقوقی و سیاسی به شمار می‌آید، چاپ و نسخ بیشتری از آن منتشر شود و دیگر دست‌نویس‌های این دو که دارای این ویژگی نیست در نسخ معدودی زیراکس و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

ناگفته نماند که ترجمه‌های استاد تمدن با استاد نوری در عین اتقان متن و صحت و حفظ امانت متناسب با ترجمه از جهاتی متفاوت است؛ زیرا ترجمه‌های استاد نوری به صورت ترجمه آزاد ارائه شده و از کثرت و تنوع بیشتری برخوردار است؛ ولی ترجمه‌های استاد تمدن دقیق‌تر و برگردان واژه به واژه متن مؤلف است و در عین تنوع، احیاناً متن کاملی از نویسنده‌ای را دربر می‌گیرد، در حالی که در ترجمه‌های دکتر نوری، به جز یک مورد، چنین ترجمه کاملی وجود ندارد.

برای نمونه، استاد تمدن کتاب نظریه محض حقوق و دولت، نوشته هانس کلسن اتریشی‌الاصیل و آمریکایی‌الوطن را تقریباً از دو متن انگلیسی و فرانسوی به صورت کامل ترجمه کرد که در سال ۱۳۹۴ به وسیله «سازمان سمت» و «پژوهشگاه» چاپ شد.

بی‌مناسبت نیست در این مقال اجمالی از زندگی‌نامه استاد فرزانه پروفیسور نورعلی نوری گزارش شود؛ باشد که علاقه‌مندان و پژوهشگران ارجمنند با اطمینان بیشتر از مطالعه این جزوات بهره‌مند و در آثار خویش بدان استناد نمایند.

این بزرگوار در عین تسلط به زبان‌های مختلف (انگلیسی، فرانسه، آلمانی و آشنایی با زبان عربی) استاد رسمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بود و در مراکز علمی متعدد دیگری نیز تدریس داشته‌اند و در کتاب *Who's Who* (دائرةالمعارف مشاهیر جهان) از ایشان یاد شده است.

پروفیسور نوری در سال ۱۳۰۴ در شهرستان نائین، روستای نیستانک به دنیا آمد، پس از دوره ابتدایی وارد دارالفنون تهران شد و دوره متوسطه را به پایان رسانید و لیسانس و فوق لیسانس را در دانشکده معقول و منقول دانشگاه الهیات تهران به پایان رساند و با احراز رتبه اول کنکور سال ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی و شیمی عازم فرانسه شد و سپس به اخذ درجه دکتری در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی، آمار و اقتصاد همت گماشت و هم‌زمان با کار در سفارت ایران در فرانسه، سرپرست کل دانشجویان ایرانی در اروپا بود. وی در سال ۱۹۶۸، از دانشگاه پاریس دکترای عالی بیمه دریافت نمود.

او پس از سال‌های متمادی از فرانسه به میهن اسلامی ایران مراجعت نمود و در دوران پیش از انقلاب سمت‌های مهم علمی و فنی بسیاری را تجربه کرد، مانند معاونت علمی وقت بیمه ایران و سازمان همکاری‌های منطقه (RCD)، محقق مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، قائم‌مقام فنی بیمه ایران، قائم‌مقام بیمه‌ای توسعه در کشورهای پاکستان، ترکیه، و ایران (اکوی فعلی) قائم‌مقام سازمان آسیایی، آفریقایی بیمه، استاد پول و بانکداری در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و صدها مأموریت علمی، فرهنگی و دانشگاهی به کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه و پاکستان.

پروفسور نوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ در جمع محققان حوزه و دانشگاه حضور یافت، از بدو تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با گروه حقوق و علوم سیاسی همکاری داشت و به پیشنهاد گروه و اصرار نگارنده مسئولیت ترجمه متونی متناسب با کار گروه را از زبان‌های مختلف عهده‌دار شد و طی سنواتی متمادی، نوعاً هفته‌ای دست‌کم بیست صفحه ترجمه از آثار مشاهیر دانشمندان حقوق و سیاسی و... در اختیار محققان گروه قرار می‌داد.

وی که در این دوران بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (با رتبه استاد عالی) بود؛ هم‌زمان با همکاری در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به تدریس در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، امام صادق علیه السلام، دانشگاه آزاد اسلامی، مدرسه عالی بازرگانی و... نیز اشتغال داشت و بیش از نیم قرن افتخار تدریس در دانشگاه تهران و جز آن را داشته است.

در پایان، برای آن بزرگوار شادی روح و علو مقام اخروی را آرزومندم. امید آنکه محققان حوزه و دانشگاه ضمن بهره‌مندی از آثار این بزرگوار، همانند آنان عهد خویش را در تحقیق و تدریس سپری نموده و آثار گران‌بهایی مانند آنان از خود به یادگار گزارند و در صورت امکان ترجمه‌های ناقص آنان را با دریافت متن اصلی تکمیل نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد ابراهیمی

سخن ویراستار

ویرایش و به عبارت بهتر دستکاری در اثر نویسنده یا مترجمی بدون اذن وی کار پسندیده‌ای نیست و این نکته در مورد صاحب اثری که از دنیا رفته و نمی‌تواند این ویرایش‌ها و دستکاری‌ها را ببیند و رضایت یا نارضایتی خود را اعلام دارد، مصداق بیشتری می‌یابد. به هر حال، کارهایی که از سر ضرورت در این اثر صورت گرفت، به شرح زیر است:

۱. هدف اصلی از واگذاری ویرایش این اثر به اینجانب، بررسی و ضبط آعلام و برخی واژه‌های لاتین و انتقال آنها به پاورقی و نیز بررسی منابع و ارجاعات در پاورقی بود. با توجه به اینکه تقریباً هیچ‌یک از منابع مورد استفاده مرحوم نوری در دسترس اینجانب نبود و از آن مهم‌تر اینکه هم و غم ایشان ارائه یک ترجمه مفهومی بوده است و نه ترجمه تحت‌اللفظی، ویرایش متن از این لحاظ عمدتاً با مراجعه به منابع و سایت‌های اینترنتی انجام شد و موفقیت آن تا حدی است که منابع در اینترنت وجود داشت؛ از این‌رو، ضبط اندکی از اسامی و منابع با مشکل مواجه شده است؛

۲. از آنجا که متن‌های باقی‌مانده از آن مرحوم، به صورت نسخه‌های دست‌نویس و اغلب به صورت کپی بود و تایپ این اثر هم از روی همان‌ها صورت گرفته بود، بدیهی است که اشتباهات و اشکالات زیادی در تایپ آنها واقع شده بود و وقت زیادی برای اصلاح آنها صرف شد؛ البته این کار صرفاً با توجه به متن تایپ‌شده انجام شد نه مقابله کل متن تایپ‌شده با نسخه‌های دست‌نویس؛ اما در مورد واژه‌ها و جملاتی که به ظاهر دچار مشکل بود، به متن دست‌نویس نیز مراجعه شد؛

باید متذکر شد که چون ترجمه‌های موجود در جزوه‌های پراکنده‌ای قرار داشت و احیاناً در برخی موارد جافتادگی‌هایی وجود داشت، خواننده در مواردی با مطالب یا جملات مبهم یا ناتمام مواجه می‌شود. حفظ امانت اقتضا می‌کرد که این موارد به همان صورت آورده شود. برخی از این موارد با گذاشتن علامت سؤال در قلاب [؟] مشخص شده‌اند؛

۳. پاورقی‌هایی برای توضیح افزوده شد و برای تمایز آنها از پاورقی‌های مترجم، دسته اول با نشانه [ن] و دسته دوم با نشانه [مترجم] در پاورقی مشخص شده‌اند؛

به هر ترتیب، امید می‌رود که این ویرایش‌ها و دستکاری‌ها موجبات شادی روح مرحوم نوری را فراهم کند.

اسماعیل نعمت‌اللهی

پیشگفتار

هرچند انقلاب اسلامی ایران - که بیش از هر چیز صبغه فکری و فرهنگی دارد - به لحاظ سیاسی در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و در نتیجه آن، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با بیش از ۹۸/۲ آرای مردم در همه‌پرسی فروردین ماه ۱۳۵۸ به‌طور رسمی پا به عرصه وجود نهاد؛ اما رسیدن این نهال نوپا به همه اهداف والای خود، نیازمند زمان و اقدامات اصلاحی و احیاناً انقلابی دیگری بود که از جمله آن هم می‌توان به انقلاب فرهنگی، به‌ویژه در عرصه آموزش عالی و مجامع دانشگاهی، اشاره کرد که در سال ۱۳۵۹ به منظور تغییر ماهوی نظام آموزش حاکم - که استمرار نظام آموزشی دوره شاهنشاهی بود - به نظام آموزشی، پژوهشی و فرهنگی متناسب با انقلاب و نظام اسلامی به‌وسیله دانشجویان مسلمان و متعهد به وقوع پیوست که بیشتر با عنوان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شناخته می‌شوند که تعطیلی موقت دانشگاه‌ها را در راستای برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف یادشده به دنبال داشت.

از جمله اقداماتی که به منظور تحقق این هدف، در فترت تعطیلی دانشگاه‌ها به اشارت حضرت امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۶۱ انجام شد و ادامه یافت، تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بود که بعدها و در سیر تکامل کمی، کیفی و سازمانی خود به پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سپس به مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه تغییر نام داد و هم‌اکنون با عنوان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با سه پژوهشکده و در مجموع یازده گروه علمی به انجام مأموریت‌ها، رسالت‌ها و وظایف خود ادامه می‌دهد.

یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های این پژوهشگاه از آغاز تا کنون، مطالعه و پژوهش در قلمرو علوم انسانی از دیدگاه اسلام و ارائه آن در قالب مقالات علمی - پژوهشی، علمی - ترویجی،

علمی-تخصصی، متون درسی، منبع درسی و منبع کمک‌درسی برای استفاده دانشجویان و نیز استادان محترم دانشگاه و نیز دیگر پژوهشگران و علاقه‌مندان مطالعه در حوزه علوم انسانی است که بحمدالله تا حدود زیادی رضایت‌بخش - و البته نه ایدئال - به انجام این رسالت نائل آمده است.

تحقق هرچه بهتر این هدف، ایجاب می‌کند که از یک طرف فضایی حوزوی با محتوای علوم انسانی رایج در مجامع دانشگاهی که به‌طور عمده غربی و غیر اسلامی بود، آگاهی نسبتاً کامل و تخصصی پیدا کنند و از سوی دیگر، استادان محترم دانشگاهی نیز با آموزه‌های اسلامی در حوزه تخصصی خود آشنا تر شوند تا در نتیجه این آشنایی و سپس تعامل علمی دوسویه، بتوان در مسیر رسیدن به آن هدف گامی برداشت.

بدین منظور و با حسن استفاده از فرصت تعطیلی موقت دانشگاه‌ها و آزاد بودن وقت استادان محترم، هسته‌های اولیه این‌گونه مطالعات مشترک و دوسویه، با حضور استادان فاضل و با انگیزه دانشگاهی و افاضل حوزوی در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تحت اشراف علمی حضرت آیت‌الله علامه استاد محمدتقی مصباح یزدی تأسیس شد تا با تبادل اطلاعات و معلومات به این هدف نائل آیند که کتاب‌های نخستین منتشر شده به‌وسیله دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نتیجه و دست‌کم نماد و یادگار این دوره همکاری است.

از جمله معدود استادان محترم دانشگاهی فعال در این عرصه، مرحوم دکتر نورعلی نوری بود که افزون بر مشارکت در جلسات و گفتگوهای علمی، با توجه به تسلط مطلوب به زبان‌های خارجی، به‌ویژه فرانسوی و انگلیسی، و قلم شیوای خود بیشتر اهتمام خویش را مصروف ترجمه آثار معتبر خارجی - که غالباً اثر موضوع ترجمه هنوز به بازار کتاب و کتابخانه‌های ایران هم راه نیافته بود - برای گروه‌های مطالعاتی و پژوهشی مختلف، از جمله گروه حقوق و علوم سیاسی، می‌کردند. نوشته حاضر درباره حقوق و دو نوشته دیگر درباره سیاست و جوهره/ ماهیت سیاست، بخشی از آن ترجمه‌ها است که تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

درباره این آثار، چند نکته گفتنی است:

۱. این آثار نه به‌عنوان ترجمه‌هایی کاملاً رسمی و فنی برای چاپ و انتشار، بلکه ترجمه‌ای سریع و عمدتاً مضمونی و صرفاً برای آشنایی فضیلا حوزوی با آثار غربی بوده است؛ از این‌رو، نباید به این ترجمه‌ها به چشم یک ترجمه رسمی و فنی نگریست، گرچه تبحر استاد در ترجمه و

اعتبار منابع موضوع ترجمه، انتشار آنها را برای استفاده محققان حقوق و علوم سیاسی موجه و مرجح می‌سازد؛

۲. به دلیل فوق، دست‌نوشته‌های مذکور، هیچ‌گاه تایپ نشده و صرفاً کپی آن در اختیار اعضای گروه قرار می‌گرفت؛

۳. خوشبختانه ترجمه‌های مذکور درباره حقوق و سیاست به‌وسیله یکی از همکاران فعال هسته‌های اولیه و مدیر وقت گروه حقوق دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد ابراهیمی حفظ و از گزند مفقود شدن، مصون ماند؛

۴. اصیل و دست‌اول بودن بیشتر متون اصلی موضوع ترجمه، شیوایی، رسایی و اتقان ترجمه‌ها، سودمند بودن ترجمه‌ها حتی برای غیر مخاطبین اصلی و اولیه آن در سال‌های ترجمه، و نیز زنده نگه داشتن یاد و خاطره مرحوم دکتر نوری از طریق زنده نگه داشتن یادگارهای ویژه‌اش برای پژوهشگاه، سبب شد که حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی، چاپ و انتشار آنها را - دست‌کم برای محققان پژوهشگاه - پیشنهاد کند، پیشنهادی که شورای علمی گروه حقوق و در نتیجه پژوهشگاه نیز با آن موافقت نمود؛

۵. بدین منظور، دست‌نوشته ترجمه‌ها، تایپ و سپس مقابله شد. مواردی که خواندن دست‌نوشته دشوار بود تا حد زیادی با کمک آقای ابراهیمی - که با خط مرحوم مترجم آشنا بود - کار به سرانجام می‌رسید. اما آنجا که مشکل ناخوانایی همچنان باقی می‌ماند و قراین هم به‌روشنی آن کمک نمی‌کرد، به خاطر اجتناب از تأخیر بیشتر به حذف غیرمخلّ و نشان‌دار با علامت چند نقطه (...) - بسنده شد و مراجعه به متون اصلی و تنقیح هرچه بهتر آن به عهده محققان پژوهشگاه، در فرصت‌های دیگر قرار گرفت؛

۶. پس از اعمال اصلاحات اولیه، یک‌بار دیگر تمام متن هر دو بخش به دقت مطالعه شد و اصلاحات فراوان دیگری (بیشتر تصحیح اغلاط تایپی و اندکی هم ویرایش و پیرایش) انجام شد که وقت فراوانی از راقم این سطور را به خود اختصاص داد؛ در این مرحله احساس شد که هنوز این مجموعه، چندان قابل چاپ و انتشار نیست و نیازمند نوعی ویرایش است که این مهم برعهده فاضل دقیق و نکته‌سنج، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی قرار گرفت و با زحمت فراوانی که ایشان متقبل شدند، این بخش از این نوشته‌ها، آماده چاپ و نشر شد؛

۷. همان‌گونه که گفته شد از آنجا که ترجمه‌های یادشده، تنها برای رفع نیازهای هسته‌های مطالعاتی پیش‌گفته بود و از ترجمه‌های پراکنده کوتاه یک صفحه‌ای تا ترجمه‌های بلند چندین ده‌صفحه‌ای را از منابع مختلفی که در دسترس مترجم محترم بوده؛ از دائرةالمعارف‌ها تا کتاب‌ها و مقالات تخصصی شامل می‌شود، مجموعه‌ای یکدست را فراهم نمی‌آورد که به همان صورت قابلیت چاپ و انتشار داشته باشد؛ بنابراین برای آماده‌سازی آنها برای انتشار، پس از تایپ و مقابله اولیه، نخست با مروری اجمالی، مجموعه ترجمه‌ها به دو دسته ترجمه‌های حقوقی و ترجمه‌های سیاسی تحت دو عنوان درباره حقوق و درباره سیاست تقسیم شد؛ البته این به معنای صرفاً حقوقی یا صرفاً سیاسی بودن محتوای هر یک از دو دسته نبود؛ بلکه به این معنا بود که بیشتر ترجمه‌ها حقوقی یا سیاسی است یا صبغه حقوقی یا سیاسی آن غالب است. در ضمن این مطالعه دقیق معلوم شد که ترجمه‌های سیاسی خود دو بخش است، بخشی که ترجمه‌های پراکنده و از منابع مختلف است و دیگری که ترجمه‌ای از یک کتاب خاص به نام جوهر/ ماهیت سیاست است. بدین جهت تصمیم گرفته شد که مجموعه این ترجمه‌ها با سه عنوان مستقل و در قالب سه کتاب منتشر شود: ۱. درباره حقوق؛ ۲. درباره سیاست؛ ۳. جوهر سیاست؛

۸. هرچند منطقی و مطلوب آن بود که ترجمه‌ها با متن مقابله می‌شود؛ اما این کار، به خاطر آنکه فقط برخی متون اصلی در کتابخانه پژوهشگاه، وجود داشت و فراهم آوردن همه متون فرصتی ویژه می‌طلبید انجام نشد، از این‌رو، با توجه به مقام علمی و تسلط مترجم محترم به دو زبان مبدأ و مقصد و محتوای مطالب، به ترجمه ایشان اعتماد شد و ترجمه‌های ایشان عیناً و با توجه به نکات پیش‌گفته در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. امید آنکه در فرصت‌های مناسب محققان پژوهشگاه و دیگر علاقه‌مندان این نقص را جبران نمایند و احیاناً با تکمیل ترجمه پاره‌ای از متون که استاد نوری بخش گسترده‌ای از آن را ترجمه نموده متنی کامل ارائه نمایند؛

۹. نکته بسیار مهم دیگر آنکه محتوای این نوشته‌ها، دیدگاه نویسندگان غربی آنها است که ربطی به مترجم محترم، راقم این سطور و پژوهشگاه ندارد؛ بنابراین آنجا که نویسندگان متون اصلی و مبدأ درباره دین و مذهب سخن گفته‌اند یا از رابطه دین و مذهب با حقوق و سیاست حرف زده‌اند و حتی گاه آنجا که به تعریف و تبیین حقوق و سیاست پرداخته‌اند، مواردی وجود دارد که به شدت قابل ملاحظه، انتقاد، خدشه و تحشیه است که به دلیل کثرت موارد و قلت وقت

از پرداختن به آن - به رغم قصد اولیه - انصراف حاصل شد و به یادآوری این نکته بسنده شد که نگاه نویسندگان غربی به دین غالباً و معمولاً - و نه همه و همیشه - نگاهی حداقلی است؛ زیرا آنان دین و مذهب را نه به عنوان یک حقیقت متعالی شامل، بلکه به عنوان پدیده و نهادی اجتماعی و حداکثر به عنوان مجموعه عقاید و مناسکی سکولار و حداقلی، مطالعه می‌کنند. بدیهی است چنین نگاهی به دین و مذهب، غیر از آنکه در کلیت خود نادرست است، به ویژه در رابطه با اسلام به هیچ وجه قابل تطبیق نیست؛ بنابراین خوانندگان محترم باید با فطانت و توجه به دیدگاه اسلامی خود نسبت به دین، مذهب، حقوق، سیاست و رابطه آنها با یکدیگر و با دیدگاهی انتقادی این بخش‌ها را مطالعه کنند.

امید آنکه انتشار این آثار، یادگاری سودمندی برای مترجم محترم، زنده‌یاد دکتر نورعلی نوری رحمته‌الله باشد و در حد و اندازه خود، نام او را زنده نگهدارد و مطالعه آن پژوهشگران عرصه حقوق و سیاست را مفید افتد.

کتاب حاضر

نویسنده در این کتاب بر اساس نگاه خود - که در بسیاری از موارد به شدت قابل نقد است و در اینجا مجال پرداختن به آن نیست - پس از تبیین چند ملاحظه مقدماتی، در هشت فصل، بدین ترتیب سخن می‌گوید: در فصل نخست، رابطه سیاست و جامعه را توضیح می‌دهد و در فصل دوم، منشأ سیاست را تبیین می‌کند و در فصول بعدی، پیش فرض‌های سه گانه سیاست را بدین گونه موضوع بحث قرار می‌دهد: در فصل سوم از پیش فرض اول، یعنی عنصر فرماندهی و فرمانبری سخن می‌گوید و به دنبال آن در فصل چهارم، دیالکتیک فرمانده و فرمانبر را توضیح می‌دهد. در فصل پنجم، پیش فرض دوم، یعنی دو عنصر «خصوصی» و «عمومی» را می‌کاود و در پی آن، در فصل ششم دیالکتیک خصوصی و عمومی را تشریح می‌کند. در فصل هفتم، پیش فرض سوم، یعنی عنصر دوستی و دشمنی را به بحث می‌نشیند و در فصل هشتم از دیالکتیک دوستی و دشمنی سخن می‌گوید.

مصطفی دانش‌پژوه

۱. ماهیت سیاست: سیاست دارای ماهیتی است؛ این قضیه به این معنی است که در هر جامعه سیاسی، از هر قماش که باشد واقعیت‌های ثابت و لایتغیری وجود دارد که به موجب این واقعیت‌ها می‌توان آن جامعه را سیاسی نامید. این واقعیت‌ها چیزی جز طبیعت سیاسی جامعه نیستند و تابع شرایط زمان و مکان یا رژیم سیاسی و حتی تاریخ نیستند و به‌خودی‌خود مستقلاً معرّف سیاست هستند. اگر از دیدگاه اعمال قدرت نگاه کنیم، با اینکه اشکال مختلف اعمال قدرت در نظام‌های مختلف متفاوت است و در طول تاریخ همیشه در حال تغییر بوده است و قوانین اساسی عصر حاضر نیز روابط بین دولت و مردم را در جوامع مختلف به صورت متنوع و متفاوتی تعیین کرده است. در همه این قوانین و در همه این نظام‌ها مفهوم فرماندهی، در مقابل فرمانبری وجود دارد و یکی از ابعاد دائمی و لایتغیر سیاست را تشکیل می‌دهد. در اینکه فرماندهی و فرمانبرداری و گفت‌و شنود این دو از فعالیت‌های [ذاتی سیاست است، تردیدی نیست و کسی منکر این حقیقت نمی‌شود، ولی این حقیقت دیگر که بدون دشمن، یعنی مفهوم دوستی و دشمنی، سیاست وجود ندارد به این سادگی قابل فهم نیست و افرادی هستند که این حقیقت را انکار می‌کنند، تعجب در این است که کسانی که این حقیقت دوم را در باب سیاست انکار می‌کنند اغلب خود در باب دشمنی نژادی- طبقاتی و عقیدتی به معنای ایدئولوژیکی داد سخن می‌دهند و برحسب گرایش ایدئولوژیک خود، دشمنانی نظیر امپریالیسم، کمونیسم، کولونیالیسم، ناسیونالیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم برای هم‌نوعان خود عنوان می‌کنند و تمام هم‌وغم خود را برای برشمردن خطرات این دشمن ایدئولوژیکی یا طبقاتی یا نژادی و تبلیغ در باب آن صرف می‌کنند. اینان که مثلاً برای مبارزه طبقاتی سنگ به سینه می‌زنند به سختی و با اشکالات فراوان حاضرند بپذیرند که سیاست بدون مبارزه معنی ندارد.

پی بردن به ماهیت سیاست از طریق مطالعه سطحی واقعیت‌های زودگذر و تاریخی که از

نهادهای موجود در زمان و مکان معینی ناشی می‌شود، ممکن نیست. برعکس در صورتی می‌توان به این ماهیت پی برد که معیارها و ملاک‌های حاضر سیاست را به دست آوریم که سبب می‌شود یک پدیده سیاسی از یک پدیده اقتصادی یا یک پدیده مذهبی متمایز شود و به همین مناسبت ما در این بحث ماهوی مطالبی مانند تاریخ نهادها، نظریه‌ها و دکترین‌ها و اندیشه‌های سیاسی را رسماً کنار می‌گذاریم. به نظام‌ها و سیستم‌های سیاسی هم کاری نداریم و در باب اینکه کدام نظام یا سیستم بهتر است، قضاوتی نمی‌کنیم. نظریه جدیدی هم در باب سیاست ارائه نمی‌دهیم و در باب سیاست آرمانی صحبت نمی‌کنیم.

کتاب جدیدی هم در باب علم سیاست نمی‌نویسیم که در آن نوآوری‌ها یا ابتکاراتی عرضه کنیم، یک دولت - حزب - گردهمایی سیاسی و آثار ناشی از فعالیت آنها هم حرفی نمی‌زنیم. به نظر ما کسانی که مانند دابن در کتاب *Olile Politiquis Etat* بین دولت و سیاست فرق قائل نمی‌شوند، اشتباه می‌کنند. از طرفی گروه دیگری که سیاست را با قدرت یکی می‌دانند، راه خطا می‌روند. سرانجام از روان‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی هم حرفی نمی‌زنیم. همه می‌دانند که جامعه‌شناسی سیاسی یک روش تجربی است که موضوع مطالعه‌اش وقایع سیاسی در شرایط مکانی و زمانی معین است و از فلسفه سیاست که می‌خواهد فارغ از این شرایط سیاست را بررسی کند، فرسنگ‌ها فاصله دارد. در یک کلام حرف ما، فلسفه سیاست است و لاغیر.

در اینجا باید منظورمان را از فلسفه سیاست بیان کنیم. موقعی که J. Dabin در کتاب فوق‌الذکر هدف خود را بررسی سیاست به معنای «علم اخلاق دولت» قرار می‌دهد، اخلاق را که خارج از حیطه سیاست است و امری انسانی است، به سیاست پیوند می‌زند و به همین مناسبت به جای اینکه استدلال کند و از طریق ادله و بینه فلسفه سیاست را آن‌طور که باید معرفی کند، به موعظه و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر متوسل شده، از فلسفه سیاست به معنای واقعی‌اش دور می‌شود. در امر پیوند زدن سیاست به موضوعات غیرسیاسی نمونه‌های متعددی وجود دارد و از آن جمله فلسفه حقوقی سیاست - فلسفه اقتصادی سیاست و فلسفه مذهبی سیاست است. گروهی نیز دیدگاهی بر فلسفه تحمیل کرده‌اند و از آن فلسفه‌های سیاست با دیدگاه‌های لیبرال، سوسیالیست، دموکراتیک و استبدادی ساخته‌اند. همچنین عنوان فلسفه سیاسی اخلاقی، فلسفه سیاسی مذهب، فلسفه سیاسی اقتصاد، فلسفه سیاسی هنر،

فلسفه سیاسی حقوقی و از این قبیل بیان کرده‌اند. در نخستین برخورد، این فلسفه‌ها جالب‌تر و پرمشتری‌تر است؛ زیرا همه در گروهی صاحب‌نفوذ که حزب-دسته و یا کلیسایی راه انداخته‌اند و دور آن سینه می‌زنند. با این عبارت منظور ما تخطئه این قبیل فلسفه‌ها که به سهم خود آبی به آسیای شناخت سیاست می‌آورند و مخصوصاً از بُعد یا دیدگاه خاصی با سیاست روبه‌رو می‌شوند، نیست. فقط حرف ما این است که این فلسفه سیاست‌ها به معنای واقعی کلمه نیست. خلاصه اینکه ما در این کتاب بدون طرفداری از دیدگاهی یا خصومت با دیدگاهی دیگر و بدون پیوند زدن سیاست با موضوع غیرسیاسی فلسفه سیاست، به معنای راستین عبارت را از طریق کشف ماهیت آن بدون هیچ‌گونه پیشداوری عنوان می‌کنیم.

فلسفه سیاست به این معنی متضمن روشی بی‌طرفانه است که واقعیت‌های سیاسی، اعم از گذشته یا حال را در مرزهای جغرافیایی، ارتش‌های ملی، امنیت داخلی و عوامل آن، اقتصاد، دیپلماتی، عقاید و افکار عمومی متأثر از ایدئولوژی‌های مختلف نهادها و... جستجو [می‌کند]. در این جستجو هیچ‌گونه دیدگاه ارزشی نباید وجود داشته باشد، برای نمونه در مطالعه فلسفی ارتش به این حقیقت توجه شود که هر نظام سیاسی دارای ارتش است که نقش یا نقش‌هایی را ایفا می‌کند، بدون اینکه بخواهیم وارد بحث ارزش ارتش شویم که مثلاً ارتش یک کشور سوسیالیست با اعتقاد بیشتری از آب و خاک دفاع می‌کنند یا ارتش یک نظام سیاسی دیگری؟ در همین زمینه فکری این پرسش را طرح نمی‌کنیم که بهتر است به ارتش القای ایدئولوژی کرد یا آن را غیرحساس به ایدئولوژی تربیت کرد[؟]. عملاً در تاریخ مواردی دیده می‌شود که ارتش‌های مجهز به ایدئولوژی کارآمدی بیشتری داشته‌اند؛ ولی در مقابل مواردی نیز دیده شده است که ایدئولوژی مآلاً به ضرر نقش دفاعی ارتش تمام شده است.

این قبیل سؤالات به سؤال اصلی که مثلاً چرا یک کشور سوسیالیست نمی‌تواند بدون ارتش بماند، (یا اینکه در تئوری سوسیالیست، ارتش زائد قلمداد می‌شود) جواب نمی‌دهند.

همین بحث را می‌توان در باب دیگر نهادهای یک نظام سیاسی اعم از اقتصادی، مذهبی، حقوقی، اداری و... نمود و ما براساس آنچه در بالا اشاره شده، فقط به بررسی اینکه چرا این نهادها برای هر نظام سیاسی ضرورت دارند، می‌پردازیم و از هر نوع قضاوت ارزشی درباره آنها خودداری می‌کنیم.

کار ما این نیست که بگوییم، مثلاً فلان نظام دموکرات‌تر از نظام دیگری است و یا نسبت به

آن چپ یا راست است. کار ما پدیدارشناسی سیاسی است و پدیدارشناسی نقشی جز تحلیل علمی واقعیت‌ها و مفروضاتی که فعالیتی از آن ناشی می‌شود، ندارد.

تردیدی نیست که چنین بی‌طرفی، به‌ویژه در زمینه سیاست کار آسانی نیست. در تمام مراحل تحلیل در معرض این خطر قرار داریم که ایدئولوژی‌ها و معتقدات خود را به صورتی به جای واقعیت جا بزنیم. امروزه ثابت شده است که بشر پیش از منطقی بودن، اهل عمل است و هر مفهومی را با توجه به نقش و کارآیی آن مفهوم استعمال می‌کند. یک نفر در مقام دفاع از دموکراسی کهن است عملاً لحنی به خود بگیرد که تخطئه دموکراسی را متضمن باشد و متقابلاً یک تخطئه‌کننده دموکراسی می‌تواند با برداشت خاصی بدون اینکه نیت آن را داشته باشد، از دموکراسی دفاع کند. با همه این حقایق ما تلاش خواهیم کرد ایدئولوژی خود را در این کتاب فراموش کنیم و حتی از تراوش ناخودآگاه آن جلوگیری کنیم. با این توضیحات غرض از فلسفه سیاست به معنایی که مورد نظر ما است، جز تحلیل ماهیت سیاست چیز دیگری نیست؛ ولی باید دید ماهیت را چه معنی می‌کنیم.

دو معنی برای کلمه ماهیت می‌توان در نظر گرفت:

۱. ماهیت عبارت از ویژگی‌هایی که به‌وسیله آنها بتوان مفهوم را به‌طور جامع و مانع تعریف کرد. در این معنی، مثلاً می‌توان ماهیت قدرت، ارزش، نورم، مفهوم، منطق، عدالت، تاریخ، جامعه‌شناسی، متافیزیک و حتی خود ماهیت را تحلیل کرد. در این دیدگاه دو کار باید انجام دهیم:

اول) ویژگی‌های مفهوم مورد نظر را که آن را مشخص کرده و از دیگر مفاهیم متمایز می‌کند، تعیین کنیم؛

دوم) نقش و هدف این مفهوم را بیان کنیم و بگوییم به چه درد می‌خورد و به چه کار می‌آید. از چنین تحلیل مثل تفاوت بین منطق و معرفت‌شناسی ظاهر می‌شود و همچنین اختلاف بین ارزش و نورم یا قدرت و زور و مانند آن به دست می‌آید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ماهیت به این معنی هویت یا مفهوم است^۱ که در مقابل معنی یعنی مقایسه مفهومی با دیگر مفاهیم^۲ قرار می‌گیرد. در معنی کردن نیز، دو عمل انجام می‌دهیم:

1. aseitas

2. alteritas

اول) مفهوم مورد نظر را با کل آنچه به آن عنایت داریم مقایسه می‌کنیم؛

دوم) به علاوه، این مفهوم را با اجزای این کل می‌سنجیم.

برای نمونه معنی کردن کلمه سیاست از یک طرف متضمن قرار دادن آن در کل حیات اجتماعی است و از سوی دیگر تعیین روابط آن با دیگر ابعاد حیات اجتماعی نظیر اقتصاد، مذهب، اخلاق و نظایر آن است. ویژگی مهم معنی در مقابل مفهوم دیالکتیکی بودن آن است که از یک طرف وجوه تجانس و از طرف دیگر وجوه افتراق را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم دیگر ماهیت جوهر است که مبحثی از وجودشناسی است و می‌توان آن را رکن یا مبنا نیز تعبیر کرد. مثلاً مبنای سیاست اجتماعی بودن انسان است که در جامعه زندگی می‌کند و تا حدودی خود را محکوم به زندگی کردن در آن می‌داند. به همین ترتیب مبنای اقتصاد نیاز بشری و مبنای علم شناخت بشر است. ویژگی این مفهوم ماهیت این است که مثلاً سیاست، اقتصاد، مذهب، اخلاق، علم و هنر مبانی شش‌گانه (یا ابعاد و یا ارکان شش‌گانه) هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. تفاوت مبنا با دیالکتیک این است که مفاهیم دیالکتیکی جوهری نیستند؛ برای نمونه، حقوق که ترکیبی از سیاست و اخلاق است یا فلسفه اجتماع که ترکیبی از سیاست و اقتصاد است، هیچ‌کدام جوهر (= مبنا = رکن) نیستند و می‌توان آنها را مفاهیم دیالکتیکی نامید. این تقسیم مفاهیم به دو دسته جوهری و دیالکتیکی متضمن بر دو روش مختلف علمی برای بررسی و مطالعه آنها است:

۱. مفاهیم جوهری، مانند سیاست، در دو مرحله بررسی می‌شوند:

مرحله اول) پیدا کردن مبنای جوهر مورد بحث (که مثلاً در مورد سیاست جامعه است)؛
مرحله دوم) یافتن ویژگی‌های این جوهر از یک سو و هدف یا کارآیی آن از سوی دیگر.

۲. مفاهیم دیالکتیکی، مانند حقوق، نیز در دو مرحله بررسی می‌شوند:

مرحله اول) یافتن عناصری که این مفهوم دیالکتیکی از آنها ترکیب شده است؛
مرحله دوم) پیدا کردن ویژگی‌های این ترکیب از یک سو و هدف و نقش آن از سوی دیگر.
در آنچه خواهیم دید، بحث معنی نیست؛ بلکه بحث مفهوم سیاست با توجه به جوهر بودن آن است. به عبارت دیگر برخی مفهوم ماهیت را در بررسی سیاست به کار خواهیم برد و با توجه به جوهر بودن آن بحث دیالکتیکی منتفی است.

۲. روش شناخت سیاست (ماهیت سیاست): فلسفه سیاست با دو روش سروکار دارد: روش اول که بسیار متداول است و مخصوص کسانی است که منظورشان از سیاست ساختن جامعه‌ای آرمانی طبق سلیقه و ذوق شخصی (یا گروهی که به آن تعلق دارند) است و می‌خواهند به این طریق از عمل سیاسی معین و یا رژیم خاصی دفاع کنند؛ روش دوم که به مذاق این افراد سازگار نیست، بدون توجه به رژیم و روال حاکم بر جامعه تلاش می‌کند هویت سیاست را کما هو حقّه از واقعیت مشهود انتزاع نماید.

در روش اول، سیاست به‌طور مجزّاً و متمایز از جامعه در نظر گرفته می‌شود، به این منظور که روزی جامعه را از شرّ سیاست (یا دولت) خلاص کنند و یا برعکس در کشورهای توتالیتر سیاست را بر جامعه غالب و حاکم سازند. دو حالت این اتفاق می‌افتد و در عصر حاضر نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد که طرفداران جدی روش اول، برای موفقیت و پیش بردن دیدگاه خود، موقتاً روش دوم را اختیار نمایند تا با استفاده از آن بهتر و مطمئن‌تر منظور اصلی خود را اعمال کنند، به دیگر سخن، مصلحت‌اندیشانه و ماکیاول‌مآب، روش دوم را به علت واقع‌گرایی‌اش انتخاب کنند، یعنی به منظور حذف سیاست یا حذف جامعه، موقتاً از علم سیاست حداکثر استفاده را بنمایند (چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا). برای نمونه، یک واقعه سیاسی را که انقلاب باشد، انتخاب می‌کنند؛ ممکن است در انقلاب هدف‌های ارزش‌گرا نظیر اختلاف مذهب و... وجود داشته باشد؛ ولی تردیدی نیست که مایه انقلاب و مبنای آن سیاست است و تمام ابّهت و همچنین نقاط ضعف سیاست را در هر انقلاب به‌طور وضوح می‌بینیم. در هیچ پدیده سیاسی دیگری تا این حدّ ابعاد مختلف سیاست و با این وضوح دیده نمی‌شود. روش دوم انقلاب را همان‌طور که واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند، در نظر می‌دهند و ویژگی‌های زیر را در آن می‌بینند:

۱. انقلاب امری فطری و طبیعی جامعه بشری است که در طول زمان تغییری در ماهیت آن رخ نداده است؛

۲. انقلاب به افراد جامعه اجازه می‌دهد اختیاری را که آن هم فطری است، اعمال کنند و به این ترتیب به آیین خود مسلط باشند و امکانات مثبت و همچنین نقاط منفی سیاست را در جریان آن به‌خوبی درک کنند؛

۳. به دیگر سخن، در ضمن اضمحلال رژیمی که از سیاست آن به ستوه آمده‌اند. پایه‌های رژیم جدید را که به سیاست آن امیدوارند، محکم سازند.